

عنوان مقاله:

مطالعه تطبیقی آرای ژیل دلوز و نلسون گودمن در نقاشی و ادبیات مدرن با تمرکز بر مفهوم گریز از بازنمایی

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 15، شماره 35 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

سارا مشاعی - دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه پژوهش هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

لیلا منتظری - استادیار گروه پژوهش هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

مدرنیسم گرایشی است ذهنی و فکری از سوی انسان مدرن. ذهنی که در مواجهه با بحران های زندگی به تغییری تازه مبدل شد و جنبه های مختلف زندگی را به واسطه اثر هنری تجلی بخشید. عصر مدرن شروع یک تغییر اساسی بود و هنرمند با تکیه بر افکار بی نهایت خویش معنای هنر را نیز دگرگون کرد. نویسنده، شاعر و نقاش مدرنیسم، هر یک با اندیشه ای خلاقانه، ایده خود از مسائل پیرامون را به شیوه ای متفاوت تجسم نمودند. رسیدن به تفاوت ها بود که همواره ذهن پویای هنرمند مدرن را مورد کنکاش قرار داد تا از پس نیروهای ذهن گرای خویش جهانی فارغ از هرگونه بازنمایی بیافریند. از سویی، صاحب نظران با نگرش هایی نوین، نظریات ساختارشکن خود در باب مفاهیم گریز از بازنمایی را در هنر مدرن مطرح نمودند. ژیل دلوز و نلسون گودمن از جمله متفکران قرن بیستم هستند که با طرح مفاهیمی سازنده، یک پارادایم خاص را در این دوره انسجام بخشیدند. نگارنده بر این باور است که شناخت و درک آثار هنری مدرن با تکیه بر آرای این دو نظریه پرداز، مفهومی تازه می یابد. آثار تصویری و ادبی مدرن با روی گردانی از سنت بازنمایی پیشین، به فرمی ضد بازنمایانه تغییر یافتند و مدل سازی بر اساس مفاهیم این متفکران، بستری از تفکرات جدید را فراهم آورد. این پژوهش با تمرکز بر نقاشی و ادبیات به عنوان دو عرصه هنری در تلاش است تا با پیوند میانشان، زبانی متفاوت از بازنمایی را نوسازی کند. آنچه مورد پرسش قرار می گیرد، این است که مفهوم بازنمایی در جهان بینی هنرمندان و نظریه پردازان عصر جدید مبتنی بر چه مفاهیمی بوده و چگونه تاثیر پذیرفته است؟

کلمات کلیدی:

هنر مدرن، گریز از بازنمایی، ژیل دلوز، نلسون گودمن، نقاشی و ادبیات

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1275215>

